

# اهمیت توجه به امنیت اقتصادی در سیاستگذاری های اقتصادی کشور\*

محسن رنجبر - کارشناس ارشد سیاستگذاری عمومی

## چکیده:

در عصر جهانی شدن اقتصاد و پایان جنگ سرد و تغییر علائق نظامی به علائق اقتصادی با تحول در مفهوم امنیت و مطرح شدن قدرت اقتصادی بعنوان قدرت رایج در عرصه بین المللی، مهمترین وظیفه دولتها تأمین امنیت اقتصادی بوده است تا با حفظ سرمایه های داخلی و جذب هر چه بیشتر سرمایه گذاری خارجی مسیر رشد و توسعه اقتصادی را بسرعت طی کنند. دیرزمانیست که دول غربی با درک اهمیت وافر امنیت اقتصادی با تمام توان در راستای ارتقای آن گام برمی دارند. ولی برعکس در سیاستگذاری اقتصادی کشور ما، این مقوله حساس مورد کم توجهی و کم مهری واقع شده است و می توان از آن بعنوان «حلقه ای مفقوده در اقتصاد ایران»، یاد کرد. فرار سرمایه های داخلی و عدم توفیق در جذب سرمایه گذاری خارجی از جمله پیامدهای پایین بودن امنیت اقتصادی است.

تبدیل شده است.

## مقدمه

با پایان جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۴۵ میلادی بر امنیت اقتصادی (economical security) و امنیت سرمایه گذاری (investment security) در کنار تعارضات سیاسی توجه شد. باری بوزان می نویسد که در این مقطع در غرب از حکومتها خواسته شد که برای مردم خود امنیت اقتصادی ایجاد کنند و دولتها هم از آن زمان تاکنون ایجاد امنیت اقتصادی را به مثابه يك پیش شرط مهم رشد و توسعه اقتصادی در سرلوحه اهداف خود قرار داده اند. لازم به یادآوری است که

امنیت یکی از نیازهای فطری بشر و ایجاد آن همواره مهمترین فلسفه وجودی دولتها بوده است. معروف است که بعد از نان و قبل از آزادی، مهمترین نیاز بشر امنیت است. امنیت ملی چند بعد دارد که عبارتند از: امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی و امنیت اجتماعی. در عصر جهانی شدن اقتصاد و انفجار اطلاعات و کمرنگ شدن مرزهای سیاسی، امنیت اقتصادی به یکی از اصلی ترین وجوه اعتبار امنیت ملی

امنیت اقتصادی را این گونه تعریف می‌کند: میزان حفظ و ارتقاء شیوه زندگی مردم در يك جامعه از طریق کالا و خدمات و هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی. (ماندل، ۱۳۷۹، ص ۱۰)

از لحاظ لغوی امنیت اقتصادی عبارت است از «آزادی از هر نوع شك و ابهام در خصوص بلا اجرا ماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمرات فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می‌پذیرد.» (میردی، ۱۳۷۳، ص ۸۸).

به عبارت دیگر امنیت اقتصادی استقرار شرایط مورد لزومی که بهبود نسبی و بلندمدت بهره‌وری سرمایه و نیروی کار و در نتیجه استاندارد بالای زندگی یعنی رسیدن به محیط مساعد تجاری پویا و مناسب برای نوآوری که سرمایه‌گذارهای داخلی و خارجی را تشویق می‌نماید.

امنیت اقتصادی وضعیتی است که در آن واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، برنامه‌ریزی بلندمدت کنند. در نگاهی دیگر امنیت اقتصادی این گونه تعریف می‌شود: «فراهم کردن يك فضای حقوقی، اجتماعی، سیاسی که در چارچوب آن طرح‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی بتوانند از آغاز تا اجرا و بهره‌برداری و نهایتاً پایان کار، بدون اخلاص و آشفتگی بیرونی عمل نمایند» (Shoven, 2008) دکتر بیژن آبادی امنیت اقتصادی را اینگونه تعریف می‌کند: امنیت اقتصادی اصول ایجاد و تثبیت يك بستر مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی است، این بستر اصولاً حقوق فرد را در رابطه با کلیه فعالیت‌های اقتصادی وی تضمین می‌کند و عملکرد متقابل او با سایر افراد جامعه را عملاً تعریف می‌کند. (رنجبر، ۱۳۸۶، ص ۲۸)

باتوجه به تعاریف و مفاهیم ذکر شده از امنیت اقتصادی می‌توانیم امنیت را اینگونه تعریف کنیم: چارچوبی نهادین (منظور ایجاد سازمانها، وضع قوانین، اصلاح سنتها و روشها در يك سیستم مشخص و

امنیت اقتصادی در تعامل با امنیت سیاسی و رفع شرایط خشونت‌آمیز معنا می‌یابد. (pinheiro, 1997, p. 60). امنیت اقتصادی را می‌توان مجموعه‌ای بهم پیوسته از متغیرها و عوامل اقتصادی به‌شمار آورد که ماهیتی اقتصادی دارند اما تأثیر گذاری و تأثیر پذیری آنها به حوزه اقتصاد محدود نمی‌شود و حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... را دربر می‌گیرند.

امنیت اقتصادی بحثی ظریف و حساس است و نباید ایجاد امنیت اقتصادی با امنیتی کردن فضای اقتصادی و سرمایه‌گذاری اشتباه گرفته شود؛ چرا که امنیتی کردن اقتصاد نه تنها امنیت اقتصادی به بار نمی‌آورد بلکه تخریب‌کننده آن است. امنیت اقتصادی با حرف و شعار بدست نمی‌آید، بلکه برای ایجاد و ارتقای آن باید هزینه کرد و آن هم نه تنها در حوزه اقتصاد بلکه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، در غیر این صورت نباید از حجم عظیم فرار سرمایه (capital flight) تعجب کرد و از اینکه کشورمان با این همه ظرفیت سرمایه‌گذاری (در بین کشورهای منطقه) شاگرد آخر جذب سرمایه‌گذاری خارجی (Foreign investment) است در حیرت فرو رفت. آیا بیهوده است که غربی‌های حسابگر و به تبع آنها دول دیگر، دهه‌هاست که برای ارتقای سطح امنیت اقتصادی کشور خود هزینه می‌کنند؟ همان امنیتی که بدون آن، هیچ‌کس از توسعه و پیشرفت اقتصادی ممکن نیست. متأسفانه در کشور ما قرنها طولانی است که فقدان امنیت اقتصادی مشهود بوده و این مسأله از چشمان تیزبین جهانگردان و بازرگانان خارجی که به ایران سفر کرده‌اند نیز پنهان نمانده است. [برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: کتاب اقتصاد سیاسی ایران: همایون کاتوزیان (تهران: انتشارات پایروس، ۱۳۶۲) و همچنین کتاب دولت و توسعه اقتصادی در ایران: دکتر عباس مصلی‌نژاد (تهران: قومس، ۱۳۸۴)]

## ۱- امنیت اقتصادی چیست؟

رابرت ماندل در کتاب خود بعنوان «چهره متغیر

توانمند) که اعتماد پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران را جلب کرده و امنیت جانی و امنیت حقوقی معاملات و مالکیتها را تضمین نماید.

## ۲- اهمیت امنیت اقتصادی

بدون وجود امنیت هیچ میزان توسعه و پیشرفت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... ممکن نیست. اصولاً نظام اقتصادی هر کشور در سایه امنیت اقتصادی تحقق می‌یابد برای کشورهای در حال توسعه اولین و مهمترین گام، دستیابی به امنیت اقتصادی است تا در پناه آن به يك نظام اقتصادی مطلوب برای ارتقای تولید و کارایی مطلوب منابع دست یافته و آنگاه به رفاه اقتصادی که هدف هر اقتصاد توسعه یافته‌ای است برسند. اهمیت امنیت اقتصادی در آن است که وظیفه‌اش ایجاد بستری امن برای سرمایه گذاری است. چرا که در این بستر قرار است موجودی بشدت ترسو، زودرنج و گریزپا به نام سرمایه، به فعالیت پردازد. امنیت اقتصادی بعنوان چارچوبی متشکل از نهادهای کارآمد (مالی، اقتصادی، اداری، اجتماعی)، قوانین و مقررات شفاف و اثبات و سیاستگذارهای مناسب دولت، بستر لازم را برای رشد اقتصادی، توسعه سرمایه گذاری و کاهش عدم اطمینان و نگرانی از آینده تا سطح قابل تحمل برای فعالان اقتصادی فراهم می‌آورد. امنیت اقتصادی یکی از مهمترین ابعاد امنیت ملی و از اصول مهم و زیرساختهای اساسی کشور برای دستیابی به توسعه اقتصادی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی محسوب می‌شود و از اینرو همیشه مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی کشورها بوده است. (عزتی، ۱۳۸۷، ص ۷)

امنیت اقتصادی بخصوص از سال ۱۹۴۵ جایگاه والایی در دستور کار سیاسی حکومتها یافته است به گونه‌ای که یکی از اهداف عمده حکومتها در ایجاد این امنیت، تبلور دارد و دستیابی به اهداف آن واقع‌گرایانه تلقی می‌شود. امنیت اقتصادی آنقدر مهم است که غالباً حکومتها آنرا در دستور کار امنیت ملی خود قرار می‌دهند. یکی از موضوعات عمده در امنیت اقتصادی

بعد سرمایه گذاری آن است؛ به گونه‌ای که فاکتورهای مؤثر بر امنیت اقتصادی سرعت و قاطعیت تأثیر خود را بر سرمایه گذاری نشان می‌دهند. دولتها غالباً موفقیت خود در جذب سرمایه گذاری را بعنوان نشانه‌ای از موفقیت در ایجاد امنیت اقتصادی تلقی می‌کنند. علت این امر این است که ایجاد امنیت اقتصادی در بعد سرمایه گذاری مستلزم ایجاد امنیت اجتماعی، سیاسی، قضایی و اقتصادی می‌باشد و چنانچه عاملی آنرا تهدید کند، جلوه خود را بشدت در بعد سرمایه گذاری نشان می‌دهد و نمایانگر آن هم فرار سرمایه‌های داخلی و عدم توفیق در جذب سرمایه خارجی است. (پورسید، ۱۳۸۶)

در اینجا بد نیست نگاهی هر چند گذرا به مفهوم امنیت سرمایه گذاری و ارتباط آن با امنیت اقتصادی داشته باشیم:

## ۳- امنیت سرمایه گذاری

امنیت سرمایه گذاری شاخه‌ای از امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی در سطح کلان به امنیت سرمایه گذاری و در سطح خرد به امنیت اشتغال و درآمد، منتهی می‌شود. لذا امنیت سرمایه گذاری را نمی‌توان از امنیت اقتصادی تفکیک و بطور جداگانه‌ای تعریف کرد. حوزه و گستره امنیت سرمایه گذاری، زیرمجموعه امنیت اقتصادی است. (رنجبر، پیشین، ص ۲۸) ایجاد اطمینان خاطر برای صاحبان سرمایه مبنی بر تضمین اصل و سود سرمایه گذاری وی، احترام به حق مالکیت و انتقال سرمایه به محل دلخواه و عدم ایجاد محدودیت و قوانینی که متضمن زیان سرمایه گذار شود و بطور کلی تمام شرایطی که بتواند سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل را متقاعد کند که کشور مورد نظر برای سرمایه گذاری اش محل امن و کم خطری است را باید امنیت سرمایه گذاری بدانیم. (pinheiro, 1997, p. 121)

شاخص ریسک در مباحث مربوط به امنیت اقتصادی (و امنیت سرمایه گذاری)، یکی از مباحث اساسی می‌باشد که در اینجا بنا به ضرورت مختصری بدان

می‌پردازیم:

نآرامیهای اجتماعی است.

۳-۴- کارایی سیاسی: نشانگر اداره مطلوب کشور است و عواملی مانند میزان جرم و جنایت و فساد اداری در آن دخیل اند. به طور کلی در امور سرمایه‌گذاری محدود بودن ریسک سیاسی نشان دهنده قدرت و ثبات سیاسی در سطح ملی و مرادفات بین‌المللی است. این امر از بُعد سیاسی به وسیله پدیده‌هایی مانند جنگ، نآرامیهای اجتماعی، خشونت سیاسی، تنش‌های بین‌المللی، فساد، جرم و جنایت و... مورد ارزیابی خبرگان و کارشناسان قرار می‌گیرد (مصطفی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۷۶)

۴-۴- ریسک سیاستگذار یهای اقتصادی: این ریسک نشان دهنده کیفیت و ثبات سیاستهای اقتصادی است که در قالب ۲۷ عامل مختلف در پنج زیرگروه شامل سیاستهای پولی، مالی، ارزی، تجاری و مقرراتی، ارزیابی می‌شود. این نوع ریسک از لحاظ وزنی ۲۸٪ ریسک ملی را دربرمی‌گیرد که بیشترین سهم را در تعریف ریسک ملی داراست. (همان)

۴-۵- ریسک ساختار اقتصادی: این شاخص، قدرت پرداخت بدهیهای ملی به خارجی‌ها را می‌سنجد و از نظر وزنی ۲۷٪ ریسک ملی را به خود اختصاص می‌دهد.

۴-۶- ریسک مخاطرات نقدینگی: این ریسک عدم تعادل بالقوه بین منابع و تعهداتی که می‌تواند نهادها و بازارهای مالی را آشفته سازد در ارزیابی می‌کند و همچنین ثبات پشتوانه سرمایه‌کشور را اندازه می‌گیرد. این نوع ریسک ۲۳٪ از وزن ریسک ملی را شامل می‌شود (Henry, 2003, p39)

## ۵- وضعیت ریسک اقتصادی ایران

بالا بودن ریسک اقتصادی (و ریسک سرمایه‌گذاری) روشنترین گواه بر امنیت اقتصادی پایین هر کشور است. متأسفانه جایگاه ایران در سالهای گذشته در طبقه‌بندی کشورها بوسیله مؤسسات بین‌المللی، در بین کشورهای ناامن و شدیداً ناامن (بین رتبه C و D) در نوسان بوده است. «از نظر ریسک در سال ۱۹۹۹، ایران

## ۴- ریسک

ریسک (یا خطر) را می‌توان عینی‌ترین شاخص تعیین امنیت اقتصادی دانست. ریسک را می‌توان متوسط هزینه اتفاق هر واقعه پیش‌بینی نشده در طول دوران سرمایه‌گذاری برای هر واحد سرمایه تعریف کرد. رابطه سرمایه‌گذاری و ریسک رابطه‌ای معکوس است یعنی هر چه میزان ریسک بیشتر شود سرمایه‌گذاری کمتر انجام می‌شود و سرمایه‌گذاری انجام شده هم بسوی سرمایه‌گذاری کوتاه مدت با سوددهی بالا سوق داده می‌شود، تا از این طریق میزان ریسک اضافی جبران شود، (lensink, R. 2006) بطور کلی ریسک را می‌توان کلیه تهدیداتی را که متوجه امنیت اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری هر کشور است (و هزینه سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد)، تعریف کرد.

عوامل مؤثر در ریسک ملی به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند: ریسک سیاسی، ریسک سیاستگذاری اقتصادی، ریسک ساختار اقتصادی و ریسک نقدینگی.

۴-۱- ریسک سیاسی: این نوع ریسک با هر نوع تغییرات بالقوه یا واقعی در سیستم سیاسی مرتبط است و جنگ داخلی یا خارجی، هر نوع انقلاب، شورش، خطر سلب مالکیت (expropriation risk) و هر نوع تغییرات از این دست را شامل می‌شود. دکتر احمد سیف ریسک سیاسی را اینگونه وصف می‌کند: «ریسک سیاسی یعنی این احتمال که نیروهای سیاسی در یک جامعه معین، ممکن است برای رسیدن به اهداف خویش یا منافع گروهی خود بر سودآوری یا کوششها و فعالیتهای شرکتهای خصوصی داخلی یا بین‌المللی (چندملیتی) تأثیر منفی بگذارند یا در کار آنها کارشکنی کنند» (سیف، ۱۳۸۶ ص ۱۷) ریسک سیاسی که از نظر وزنی ۲۲٪ ریسک ملی را تعیین می‌کند، خود به دو بخش ثبات سیاسی و کارایی سیاسی تقسیم می‌شود:

۴-۲- ثبات سیاسی: نشانگر وضعیت سیاسی از نظر تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی مانند جنگ و

از نظر EIU، اقتصاد ایران با ۴۹ واحد ریسک در رتبه (c) یعنی جزء کشورهای ناامن برای سرمایه‌گذاری می‌باشد.

البته در ماههای اخیر وضعیت ریسک اقتصادی ایران اندکی بهبود داشته است. بیزینس مونیتور در آخرین گزارش خود، ریسک اقتصادی ۱۳ کشور خاورمیانه را اعلام کرد، ایران، عمان، سوریه و لبنان چهار کشور منطقه هستند که با کاهش ریسک اقتصادی در کوتاه مدت مواجه شده‌اند.

بیزینس مانیتور در گزارش سه ماهه سوم سال ۲۰۰۹ خود نمره ایران از نظر ریسک اقتصادی در کوتاه مدت را ۴۲/۳ از صد اعلام کرده بود اما در گزارش تازه (سه ماهه چهارم) این رقم ۴۶/۵ از صد اعلام شده که بدین ترتیب ریسک اقتصادی ایران کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است.

بر اساس گزارش بیزینس مانیتور، درجه ریسک اقتصادی کشورها از یک تا صد متفاوت است که عدد صد حاکی از پایین‌ترین ریسک و عدد یک نشان دهنده بالاترین ریسک است.

به گزارش فارس، به رغم کاهش ریسک اقتصادی ایران در کوتاه مدت رتبه این کشور در منطقه تغییر نکرده است. ایران در میان ۱۳ کشور خاورمیانه رتبه ۹ را از نظر ریسک اقتصادی دارد. قطر با نمره ۸۵ کمترین ریسک اقتصادی کوتاه مدت را در منطقه داراست. پس از این کشور بحرین با نمره ۸۰، امارات با نمره ۷۵/۶، عربستان با نمره ۷۴، عمان با نمره ۷۲/۹، کویت با نمره ۷۱/۹، عراق با نمره ۶۵/۸، و مصر با نمره ۶۱/۹ به ترتیب در رتبه‌های دوم تا هشتم جای گرفته‌اند. سوریه با ریسک ۴۶/۳، اردن با ریسک ۴۱، یمن با ریسک ۳۷/۵ و لبنان با ریسک ۲۶ نیز پس از ایران قرار گرفته‌اند. [خبرگزاری فارس، ریسک اقتصادی ایران ۹ درصد کاهش یافت (۸۸/۸/۱۲)]

[http:// www.farsnews.com/newstext.php](http://www.farsnews.com/newstext.php) nn=8806170365≤

در میان ۱۰۰ کشور جهان رتبه ۹۲ را کسب نموده و تنها ۸ کشور وضعیت ریسک ملی بدتر از ایران را داشته‌اند. (مصلی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۷۹)

اگر این نکته را در نظر بگیریم که به طور کلی ریسک منطقه خاورمیانه از سایر نقاط دنیا بالاتر است، و خامت اوضاع ریسک ایران از دیدگاه بین‌المللی آشکارتر خواهد شد. موقعیت ریسک ایران در طرحهای سرمایه‌گذاری در مقایسه با کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بسیار وخیم است. (همان، صص ۲۷۶-۲۷۵)

ایران (طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۶) پر ریسک‌ترین کشور و حوزه خلیج فارس و خاورمیانه (اگر عراق جنگ زده را نادیده بگیریم)، و در سطح جهانی هم پس از چند کشور آفریقایی مانند: سودان و سومالی، دارای بالاترین ریسکهای سرمایه‌گذاری بوده است. طبق برآورد دیگری که توسط مرکز تحقیقات بازارهای جهان ارائه شده، ایران یکی از پرریسک‌ترین کشورها برای سرمایه‌گذاری شناخته شده است. این مرکز ریسک کلی اقتصاد ایران را ۳/۶۰ (از حداکثر ۴ واحد ریسک با رتبه D) برآورد کرده است. (آفتاب یزد، ۱۳۸۶/۳/۱۲، ص ۳)

سازمان همکاری اقتصادی (OECD) در تازه‌ترین رده‌بندی ریسک‌پذیری اقتصاد کشورها، درجه ریسک اقتصاد ایران (در سال ۲۰۰۶ میلادی) را با یک واحد افزایش معادل ۶ اعلام کرد، از نگاه (OECD) عدد صفر بهترین وضعیت و عدد ۷ بدترین و پرریسک‌ترین موقعیت را نشان می‌دهد. بدین ترتیب در این مقطع اقتصاد ایران همچنان یکی از پرریسک‌ترین اقتصادهای جهان محسوب می‌شود. (اقتصاد ایران، ۱۳۸۶، ص ۷)

واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست شاخص ریسک سرمایه‌گذاری در ایران را ۶۷ از حداکثر ۱۰۰ اعلام کرده است. و به این لحاظ ایران را جزء کشورهای ریسک بالا طبقه‌بندی کرده است. (رتبه c) (آفتاب یزد، ۱۳۸۴/۵/۲۲، ص ۳)

## عوامل مؤثر بر رتبه‌بندی ریسک ایران از نظر EIU

بخشهای مختلف	نقاط قوت	نقاط ضعف
سیاسی	- نادر بودن خشونت علیه خارجیان - پایین بودن جرم و جنایت - حفاظت پلیس از ساختمانهای دیپلماتیک	- بدگمانی نسبت به نظامی بودن برنامه‌های هسته‌ای ایران و وخیم بودن مناسبات با آمریکا
اقتصادی	- اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز، - ایجاد اولین بانک خصوصی، - اجرای سیاستهای خصوصی سازی،	- روند کند اصلاحات، - دولتی بودن بانکها و ثبات نرخ بهره و همینطور بالا بودن نرخ بهره ایران از نرخ بهره جهانی و عدم تعیین آن بر مبنای نیازهای بازار
سیاستگذاری اقتصادی	- شفافیت ایجاد شده در بودجه، - اصلاح قانون مالیات‌ها	- تأثیرپذیری سیاستهای پولی و ارزی از تصمیمات دولت، - ایجاد کسری بودجه ناشی از سیاستهای یکسان سازی و اصلاح قانون مالیاتها
بخش تجاری	- بهبود بازپرداخت بدهیها، - افزایش مازاد تجاری به علت افزایش قیمت نفت، - تصویب قانون جدید سرمایه گذاری خارجی، - افزایش تولید صادرات غیر نفتی به علت کاهش موانع وارداتی - آزادسازی وارداتی	- ضعف در حساب سرمایه (کم بودن میزان ورود سرمایه به کشور) - اثرپذیری پرداخت بدهیها از نوسانات قیمت نفت، - کنترل حساب جاری و حساب سرمایه توسط دولت
ساختار اقتصادی	- انتظار کاهش نرخ تورم برای آینده، - افزایش نرخ رشد در آینده، - بهبود بخش کشاورزی	- گستردگی حجم دولت - بالا بودن نرخ تورم

مأخذ: <http://prd.moc.gov.ir/Report/riro/moghadame.htm>

خود را به چین داده و خود را رتبه ۱۷ پله‌ای در جایگاه  
۱۸ جهان قرار گرفته است.  
ریسک اقتصادی ایران طی ماه جاری حتماً از اندونزی  
نیز کمتر بر آورده شده است. این کشور در ماه گذشته در  
رتبه ۱۳ قرار داشت که طی ماه جاری در رتبه دوم  
پرخطرترین اقتصادهای جهان قرار گرفته است.  
رفع شدن تهدید بی‌ثباتی سیاسی پس از ناآرامیهای

از دیگر برآوردهایی که حکایت از بهبود رتبه ریسک  
کشور دارد می‌توان به گزارش مؤسسه فیچ اشاره کرد.  
مؤسسه رتبه‌بندی فیچ طی گزارشی اعلام کرد ریسک  
اقتصادی ایران نسبت به ماه گذشته کاهش قابل توجهی  
داشته و این کشور از این نظر در رتبه ۱۸ جهان قرار  
گرفته است.  
بر اساس این گزارش ایران که در ماه گذشته دارای  
بالاترین درجه ریسک اقتصادی بود طی ماه جاری جای

يك ابرقدرت جهانی در کمتر از يك قرن، مدیون موفقیت در واردات سرمایه‌های اروپایی بوده است.» (افشاری، ۱۳۸۰ ص ۲۱).

در حالی که بسیاری کشورها، موفقیت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی را دال بر امنیت اقتصادی بالای خود می‌دانند، بطور کلی میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در دهه‌های اخیر کم و منفی بوده است. بر اساس گزارش UNCTAD (سازمان کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد) میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۴/۲۰۰۵ نسبت به سال قبل ۷۰ درصد کاهش داشت و ایران با جذب ۳۰ میلیون دلار حجم کل سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در این سال به رتبه ۱۳۳ جذب سرمایه‌گذاری خارجی سقوط کرد (آینده نو، ۱۹/۷/۸۵، ص ۴) این کاهش میزان سرمایه‌گذاری خارجی مقارن با موج بی سابقه فرار سرمایه به امارات در این سال بوده است. این وضعیت ناشایسته ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی متأسفانه در سالهای اخیر تداوم داشته است. در سال گذشته میلادی ترکیه، عربستان و امارات به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم جذب سرمایه‌گذاری را در منطقه دارا بودند و ایران هم در بین کشورهای منطقه، شاگرد آخر جذب سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. بیش از هر عاملی، نگرش منفی سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به امنیت اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری در ایران را باید علت اصلی عدم توفیق کشور، در جذب سرمایه‌گذاری دانست. مگر نه آنکه همان عواملی که موجبات فرار سرمایه از ایران را فراهم می‌سازند، عمده‌ترین موانع جلب سرمایه‌گذاری به ایران هستند؟

## ۶- تهدیدکنندگان امنیت اقتصادی کشور:

۶-۱- عوامل خارجی: مانند خصومت و تهدیدات و تحریمهای امریکا علیه کشور، تبلیغات منفی رسانه‌های غربی علیه ایران در سطحی جهانی، کشمکش با غرب بر سر فعالیتهای هسته‌ای و اتهامات غرب به ایران مبنی بر پیگیری برنامه تولید تسلیحات کشتار جمعی و

انتخاباتی از جمله علل کاهش ریسک اقتصادی ایران عنوان شده است. این موضوع به همراه پذیرش غرب برای مذاکره با ایران باعث علاقمندی فعالان اقتصادی نسبت به فضای ایران شده است.

(خبرگزاری فارس، کاهش ۱۷ پله‌ای ریسک اقتصادی ایران، (۸۸/۸/۹) قابل دسترسی در <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=880631108>)

واحد اطلاعات اکونومیست از کاهش چهاردرصدی ریسک اقتصاد ایران طی دو سال گذشته خبر داد.

بنابراین گزارش درجه ریسک اقتصادی ایران که در اوایل سال ۲۰۰۷ میلادی ۶۷ درصد بوده است، در گزارش اوایل سال ۲۰۰۹ میلادی به ۶۳ درصد کاهش یافته که از کاهش چهاردرصدی ریسک اقتصاد ایران خبر می‌دهد. طی شش ماه گذشته نیز ریسک اقتصاد ایران با کاهش یک درصدی از ۶۴ درصد به ۶۳ درصد رسیده است. اکونومیست همچنین گزارش داده است، رتبه ایران در ریسک اقتصادی بین ۱۵۰ کشور دنیا از ۱۴۰ در اوایل سال ۲۰۰۷ میلادی به ۱۳۱ در حال حاضر بهبود یافته است. واحد اطلاعات اکونومیست ۱۵۰ کشور مورد بررسی را در پنج رده ریسک‌پذیری از A تا E قرار داده است که به ترتیب از ریسک پایین به بالا رتبه‌بندی شده‌اند. ایران در رده ریسک‌پذیری D قرار گرفته است که طی دو سال گذشته تغییری نکرده است و همچنان برای سرمایه‌گذاری محلی ناامن شمرده می‌شود.

میزان ناچیز جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران؛ شاهی بر پایین بودن امنیت اقتصادی

درباره اهمیت فراوان جذب سرمایه‌گذاری در فرایند رشد و توسعه اقتصادی (خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه) جای بحثی نیست. تجربه کشورهای توسعه یافته نشانگر اهمیت بسزای سرمایه‌گذاری در فرایند رشد و توسعه اقتصادی است. «موفقیت آمریکا در انتقال از موقعیت تحت استعمار به

احتمال تحریمهای اقتصادی علیه کشور و . . . .

۲-۶- عوامل داخلی: مانند وجود مشکلات تاریخی و فرهنگی برای انباشت سرمایه و مالکیت خصوصی، وجود ذهنیت منفی در جامعه نسبت به صاحبان سرمایه و سرمایه گذاران، بی ثباتی در سیاستهای اقتصادی، همسو نبودن مرجعیت اقتصادی کشور با مرجعیت اقتصاد جهانی، سیاست زدگی اقتصاد، ضعف و سردرگمی بخش خصوصی در مقابل تسلط بخش دولتی ناکارآمد و انحصار طلب بر اقتصاد، اقتصاد دستوری، بسته بودن اقتصاد، عدم توافق و اجماع سیاسی در مورد انباشت سرمایه و مدل مناسب توسعه اقتصادی، مشکلات حقوقی مانند: عدم تناسب قانون کار با واقعیات، فقدان هماهنگی و همسویی بین قوانین و مقررات موجود بعلاوه عدم هماهنگی با قوانین تجارت جهانی، تعدد و پراکندگی قوانین مربوط به فعالیتهای اقتصادی، تبعیض در اجرای مقررات بین بخش دولتی و غیر دولتی، و . . . از عناصر داخلی تهدید کننده امنیت اقتصادی اند.

## ۷- در جستجوی امنیت اقتصادی

دغدغه و نگرانی جدی طی سالهای آینده برای بستر سازی جهت رشد سریع اقتصادی در قالب ترسیم و تدوین و اجرای مؤلفه های قانونی امنیت سرمایه گذاری است. از جمله سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه در حوزه اقتصادی این است که چگونه می توان فضای اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران را ایجاد و تثبیت کرد و با تکیه بر مزیت های نسبی اقتصاد ایران و نیز خلق مزیت های جدید، مالکیت ناشی از سرمایه گذاری را تضمین کرد و حقوق ناشی از آن را پاس داشت. این سیاست مبتنی بر نوعی نگاه فرابخشی است که کل حوزه های مختلف اقتصادی را در بر می گیرد تا سرمایه گذاری در حوزه های گوناگون را توجیه پذیر کند. از اقدامات قابل ذکر در جهت بهبود وضع امنیت اقتصادی کشور موارد ذیل قابل ذکرند:

۱-۷- تشکیل ستاد ارتقاء امنیت اقتصادی: ایجاد این ستاد در قوه قضائیه با حضور نمایندگان از سه قوه و دفتر

حمایت از سرمایه گذاری سالم در مجتمع ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی برای رونق دادن به اقتصاد سالم از جمله اقدامات صورت گرفته برای کاهش ریسک سرمایه گذاری و مبارزه با فرار سرمایه است که سخنگوی قوه قضائیه خبر آنرا در آبان ۸۴ به رسانه ها داد. (www. dadkhahi. net)

از دیگر اقدامات صورت گرفته در راستای توجه بیشتر به امنیت اقتصادی به دو مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام می توان اشاره کرد:

۲-۷- سیاستهای کلی نظام در مورد امنیت اقتصادی: توجهی که در تصمیم گیری سطح کلان و سیاستهای کلی نظام به مقوله امنیت اقتصادی و تأثیر غیر قابل اغماض آن بر جذب سرمایه گذاری خارجی، سرمایه گذاری بخش خصوصی و کاهش فرار سرمایه دارد، هر چند دیر هنگام، ولی فی نفسه قابل تقدیر است. دو مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام (در راستای تبیین سیاستهای کلی نظام) در مورد امنیت اقتصادی است. یکی از این مصوبات بطور مشخص در زمینه امنیت اقتصادی بوده و مصوبه دیگر درباره سیاستهای کلی تشویق سرمایه گذاری بخش خصوصی می باشد که ارتباط زیادی با موضوع امنیت اقتصادی دارد. با بررسی و تحلیل این دو مصوبه می توان عوامل اساسی مورد توجه دولت و سیاستگذارهای اقتصادی پی ریزی شده برای نیل به سطح مطلوب آن را شناسایی کرد. متن این دو مصوبه به قرار زیر است:

### ۱-۲-۷- بخش امنیت اقتصادی

سیاستهای کلی نظام در بخش امنیت اقتصادی به قرار ذیل است:

- ۱- حمایت از ارزش افزوده و سرمایه گذاری و کار آفرینی از راههای قانونی و مشروع.
- ۲- هدف از امنیت سرمایه گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است، وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک



۸- توجه به کسب دانش فنی، دسترسی به بازارهای بین‌المللی، رشد اقتصادی، توسعه اشتغال و ارتقای مدیریتی و بهره‌وری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی با اولویت سرمایه‌گذاری مستقیم و بلندمدت.

۹- تنظیم فعالیت سرمایه‌گذاری خارجی در بورس سهام به نحوی که تعادل و ثبات بازارهای ارزی و مالی حفظ شود.

۱۰- سازماندهی رفتار تقنینی، اداری، قضایی، بازرسی، حسابرسی و تخصیص کردن امور در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری در تولید.

۱۱- تسهیل شکل‌گیری و توانمندسازی بنگاههای بزرگ اقتصادی در بخش خصوصی و تعاونی. (همان، ص ۱۳)

همانطور که می‌بینیم در این دو قانون به عواملی مانند: شفافیت، ثبات و هماهنگی قوانین، ضرورت حذف انحصارات، سیاستهای مناسب اجرایی کارآمدی سیستم قضایی، حمایت از مالکیت مادی و معنوی، اهمیت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، عملکرد درست نظام مالی و... در راستای افزایش امنیت سرمایه‌گذاری کشور، تأکید شده است. همانطور که اشاره کردیم ایجاد و بهبود شاخص امنیت اقتصادی تلاشی پیگیر و گسترده در سطوح مختلف حاکمیت و فراتر از حوزه اقتصادی را می‌طلبد و در غیر این صورت، تصویب یک قانون در این راستا، به تنهایی نمی‌تواند امنیت اقتصادی را به بار بیاورد. چه بسیارند قوانینی که پس از تصویب، متروک و مغفول باقی مانده یا در همان مراحل اولیه اجرا پس از برخورد با مشکلات، موانع و کاستی‌های گوناگون متوقف و بی‌اثر می‌شوند.

هرچند فراهم آوردن بستر امن سرمایه‌گذاری وظیفه‌ای فرابخشی است و تمام اجزای حاکمیت اعم از قوای مقننه، قضائیه و مجریه در انجام این مهم، مسئولند، فراهم آوردن محیط امن برای سرمایه‌گذاری تا حدود زیادی متوجه وزارت اقتصاد و دارایی است که تا چه اندازه می‌تواند به وظایف اختصاصی و مشترک خود عمل کند. همچنین یکی از عارضه‌ها و پیامدهای

می‌کند وظیفه الزامی دولت و مجلس است.

۳- قوانین، سیاستهای اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشند.

۴- نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسائل اقتصادی باید دقیق، روشن و تخصصی باشد.

۵- شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات و مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیتهای اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد. (عزتی، ۱۳۸۷، ص ۱۲)

## ۲-۲-۷- بخش تشویق سرمایه‌گذاری

سیاستهای کلی نظام در بخش تشویق سرمایه‌گذاری بدین شرح است:

۱- حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن از جمله مالکیت معنوی.

۲- تشویق و حمایت دولت از توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی در فعالیتهای اقتصادی کشور و اولویت دادن به بخش خصوصی و تعاونی در غیر از مواردی که در قانون اساسی به دولت واگذار شده است.

۳- تنظیم سیاستهای پولی و ارزی کشور با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات.

۴- افزایش بهره‌وری اقتصاد کشور با اصلاحات و اقدامات لازم بویژه اصلاحات ساختاری و مدیریتی و کاهش هزینه‌های مبادله و رفع موانع.

۵- افزایش توان رقابت اقتصادی در داخل و صحنه بین‌المللی از طریق لغو انحصارات غیر ضروری و تقویت ساختار رقابتی و زیرساختهای ملی و حمایت از ارتقای خلاقیت و نوآوری.

۶- بهره‌گیری از نظام مالیاتی در جهت تقویت سرمایه‌گذاری از طریق ثبات مالیاتها و شفافیت درآمدها، صراحت در مقررات و منطقی کردن معافیتها.

۷- تجهیز و تکمیل نظام پولی و پس انداز ملی و هدایت و تقویت بازار پولی و مالی در جهت تقویت سرمایه‌گذاری.

می‌تواند ریسک سیاسی را کاهش دهد.

۸۴- در حوزه اقتصاد نیز ایجاد ثبات، کنترل تورم، کاهش کسری بودجه دولت و اصلاحات ساختاری، اصلاحات در بازار پول و سرمایه و افزایش کارایی در بازارهای مالی، افزایش بهره‌وری و رشد پایدار می‌تواند در بهبود رتبه اعتباری کشور و کاهش ریسک مؤثر باشند.

۸۵- در راستای هماهنگی بیشتر مرجعیت اقتصادی کشور با مرجعیت جهانی اقتصاد اقداماتی از قبیل: آماده کردن شرایط برای پیوستن کشور به سازمان تجارت جهانی (WTO)، همچنین آزادسازی تدریجی اقتصاد و گسترش بخش خصوصی، پیشنهاد می‌شوند.

۸۶- تقویت بورس اوراق بهادار به علت اینکه بورس یکی از عرصه‌های مهم بخش خصوصی است و عملیات پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را در کشور تسهیل می‌کند و بار اصلی خصوصی سازی را به دوش می‌کشد.

۸۷- از آنجا که تحریم برای اقتصاد هر کشور فلج‌کننده است و بخصوص تأثیر ویرانگری بر امنیت اقتصادی دارد، وظیفه مسئولان است که به هر نحوی مانع اعمال تحریم (بخصوص تحریم‌های گسترده اقتصادی) بر علیه کشور شوند و زمینه‌های تحریم اقتصادی کشور در بلندمدت را هم از میان بردارند.

۸۸- برخورد قاطع و بی‌طرفانه سیستم قضایی با مفاسد اقتصادی: هر چه مبارزه با فساد جدی‌تر باشد اعتماد سرمایه‌گذاران به محیط اقتصادی بیشتر می‌شود.

۸۹- «برقراری فضای رقابت در اقتصاد ملی و در عرصه بازار کار و سرمایه به منزله یگانه‌راه انتخاب اصلح بدون هرگونه حق اعمال نفوذ یا دسترسی ویژه به اطلاعات و امکانات اقتصادی برای افراد و گروه‌های خاص (ممانعت از ایجاد رانت)» (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ص ۱۲۱)

۸۱۰- فرهنگ‌سازی و ایجاد نگرش‌ها و ارزش‌های همسو با توسعه و پیشرفت و نیازها و الزامات اقتصادی و سرمایه‌گذاری و رفع نگرش‌های سنتی و منفی نسبت به صاحبان سرمایه مانند: «تفکر ز الوصف بودن

خطرناک که می‌تواند کل فرایند امنیت سرمایه‌گذاری را نابود سازد، نگاه امنیتی به اقتصاد و اعمال سیاست‌های مبتنی بر ایجاد فضای خاصی بر فعالیتهای اقتصادی است، به گونه‌ای که نهادهای قانونی در انجام رسالت و وظایف خود با تکیه بر اقتدار حاکمیتی به مداخله در معادلات و فعل و انفعالات اقتصادی روی آورند و تنفس را برای فعالیت سالم، آزاد و رقابتی، دشوار سازند.

برای سرمایه و سرمایه‌گذار فرق نمی‌کند که توجیه رفتار مداخله‌جویانه نهادهای غیر اقتصادی بویژه نهادهای سیاسی، امنیتی و قضایی در چه قالب و چه توجیهی صورت می‌گیرد ولیکن انتظار واقعی آنها نه تنها مداخله نکردن در اقتصاد بلکه ایفای نقش حمایتی و حفاظتی در برابر مخاطرات احتمالی داخلی و بیرونی است. (کربلایی، ۱۳۸۷) آینده نشان خواهد داد که رؤیای امن بودن فضای اقتصادی ایران برای سرمایه‌گذاری تا چه میزان رنگ واقعیت به خود می‌گیرد.

## ۸- اقدامات پیشنهادی برای کاهش ریسک و ارتقاء رتبه امنیت اقتصادی کشور

۸۱- یکی از مشکلات اصلی در راه ارتقاء رتبه امنیت اقتصادی کشور مشکلات سیاسی منطقه و جهت‌گیری آمریکا علیه ایران است. عضویت در مجامع بین‌المللی، انعقاد پیمانهای منطقه‌ای در پرهیز از مناقشات بین‌المللی و پیگیری سیاست‌های تنش‌زدایی از جمله اقداماتی‌اند که در حوزه سیاست خارجی می‌توانند بر بهبود رتبه اعتباری کشور مؤثر باشند.

۸۲- مدیریت تشنجاتی که می‌تواند منجر به طرح ادعاهای مخاصمه‌جویانه نزد محافل بین‌المللی علیه کشور شود، کمالینکه مسایلی چون ادامه کشمکش با غرب بر سر فعالیتهای هسته‌ای و یا اتهام ارتباط با گروه‌های افراطی به شدت به زیان کشور می‌باشد.

۸۳- در فضای داخل کشور نیز کاهش تشنجات سیاسی و رقابت به جای ستیزه‌جویی و انجام اقداماتی که منجر به ارتقاء جایگاه مردمی نظام سیاسی می‌شود

سرمایه‌دار» که باعث بی‌اعتمادی متقابل وی و جامعه می‌شود.

۸-۱۱- وزارت اقتصاد و دارایی قبل از آنکه متولی جمع‌آوری مالیات و عوارض قانونی قلمداد شود مسئولیت کلان ایجاد همگرایی و وحدت سیاستها و راهبردهای اقتصادی و تجاری را دارد و اگر نتواند جایگاه از دست رفته خویش را باز یابد و فرماندهی اقتصاد ایران را به دست آورد، بدون تردید رسالت‌هایش برای فراهم آوردن امنیت سرمایه‌گذاری مخدوش و مغفول خواهد شد. این وزارت اگر بتواند موانع قانونی برای تطبیق قانون سرمایه‌گذاری خارجی با شرایط اقتصادی کشور را شناسایی و از میان بردارد و ابهامات موجود در قانون پولشویی را برطرف سازد و در عین حال راهکارهای تشویق و جذب سرمایه‌گذاری ایرانیان مقیم خارج را مشخص کند و نیز با مشارکت بیمه مرکزی، بیمه‌های تضمینی و اعتباری و بیمه پروژه‌هایی چون وام‌ها، تسهیلات مالی و سرمایه‌گذاری خارجی را گسترش دهد، گام‌های مهم برداشته است؛ گام‌هایی بلند و اثرگذار که ظرافت و دقت در سیاستهای مالی و پولی را طلب می‌کند.

### نتیجه‌گیری

از بحث کوتاهی که مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت امنیت اقتصادی بعنوان بستر ساز رشد و توسعه اقتصادی هر کشور، جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌گذاریهای اقتصادی و جهت‌گیریهای سیاسی کشورها دارد. محیط امن اقتصادی ابعاد و ارکان مهمی دارد که عبارتند از: قانون و نظم کارآمد، ثبات معقول اقتصاد کلان، ثبات معقول سیاسی و از همه مهمتر اعتبار دولت در نزد سرمایه‌گذار. بنابراین ثبات اقتصاد کلان و ثبات سیاسی دو بُعد مهم امنیت اقتصادی را تشکیل می‌دهند. در واقع پس از پایان جنگ جهانی دوم، دول اروپایی اهمیت وافر امنیت اقتصادی را پس از سیری کردن دوره ناامن جنگ جهانی اول و دوم، با تمام وجود درک کردند. [یکی از بارزترین نمودهای عدم امنیت اقتصادی در این دوره

موج گسترده و بی‌سابقه فرار سرمایه از اروپا به امریکا است. ] همان ناامنی‌هایی که به عقیده صاحب‌نظران تأثیری قاطع در عقب‌افتادن اروپا از آمریکا داشته است. به طور مشخص تر، پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی ابرقدرت تک‌بُعدی شرق از سویی و گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد از سوی دیگر و تغییر ماهیت قدرت از قدرت سخت به قدرت نرم، از اهمیت بُعد نظامی قدرت روز به روز کاسته و بر اهمیت بُعد اقتصادی آن افزوده شده است. ناگفته پیداست که در اقتصاد جهانی شده کنونی که با گسترش ارتباطات و انفجار اطلاعات، تحرك آسان سرمایه بین‌المللی و رسوخ‌پذیری مرزهای سیاسی همراه است، چه بر سر کشورهایایی که نتوانند خود را با الزامات تازه اقتصاد جهانی وفق دهند خواهد آمد. مگر نه آنکه یکی از ابتدایی‌ترین و مهمترین این الزامات، ایجاد و بهبود امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی حلقه مفقوده اقتصاد ما است و به قولی، «مشکل بزرگ سیاست‌گذاری اقتصادی ما در چند دهه اخیر ناشی از عدم توجه به مفهوم واقعی امنیت اقتصادی بوده است». (مصلی‌تژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۷۸)

امنیت اقتصادی متاعی گرانبهاست که به آسانی بدست نمی‌آید، شاید در این راه، واقع‌گرایی دولت در عرصه اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی، فرهنگ‌سازی همسو با الزامات رشد و توسعه، درس گرفتن از تجربه‌های خود و دیگران، احترام به حقوق مالکیت خصوصی افراد و قانون‌پذیری و مسئولیت‌پذیری دولت و ملت، از ضروری‌ترین نیازهای کشورمان باشند. سیاست‌گذاران و مسئولان کشوری که در چشم‌انداز ۲۰ ساله خود، آرزوی تبدیل شدن به اقتصاد اول منطقه را دارد، مسلماً باید بیش از اینها مقوله حساس امنیت اقتصادی را در تصمیم‌گیریها و جهت‌گیریهای سیاسی و اقتصادی خود، مورد توجه قرار دهند.

\* این مقاله در نیمه دوم سال ۱۳۸۸ نگاشته شده است.

## منابع و مآخذ:

۱. افشاری، زهرا (۱۳۸۰) سیاستهای اقتصاد کلان و استقراض در کشورهای در حال توسعه و ایران، تهران: دانشگاه الزهرا
۲. بیک زاده، صفر (گردآورنده) (۱۳۸۳) چند مقاله در زمینه موانع نهادی توسعه اقتصادی، تهران: مرکز پژوهشهای مجلس
۳. پورسید، جواد (۱۳۸۶/۷/۱۴)، «امنیت اقتصادی، قابل دسترسی» در <www. irtp. com/esc/ kholase/03>
۴. رنجبر، محسن (۱۳۸۶) بررسی پدیده فرار سرمایه از ایران (دوره جمهوری اسلامی)، تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۵. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۷)، بررسی و پیشنهاد اصول مورد نیاز در تنظیم قوانین ضد انحصار در اقتصاد ایران، جلد ۳، تهران: سازمان برنامه و بودجه
۶. سیف، احمد، (خرداد ۱۳۸۶)، «ریسک سیاسی و سرمایه گذاری خارجی»، ماهنامه بین المللی اقتصاد آسیا، س ۱۲، ش ۴۶۲
۷. عزتی، مرتضی، (۱۳۸۷) امنیت اقتصادی در ایران، تهران: مرکز پژوهشهای مجلس
۸. ماندل، رابرت، (۱۳۷۹)، چهره های متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۹. ماهنامه اقتصاد ایران، س ۹، ش ۱۰۲، مرداد ۸۶
۱۰. مریدی، سیاوش (۱۳۷۳)، فرهنگ اقتصادی، تهران: مؤسسه انتشاراتی نگاه
۱۱. مصلی نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴)، آسیب شناسی توسعه اقتصادی در ایران، چ ۱ تهران، قومس
۱۲. آفتاب یزد (۱۳۸۶/۳/۱۲)
۱۳. آینده نو (۸۵/۷/۱۹)
۱۴. کربلایی، رضا، «تحلیلی بر سیستمهای امنیت سرمایه گذاری در ایران» (۸۷/۷/۲۸)، قابل دسترسی در: <http://iej. blogfa. com/ post- 39. asp blogfa>
۱۵. خبرگزاری فارس، «کاهش ۱۷ پله ای ریسک اقتصادی

ایران»، (۸۸/۸/۹) قابل دسترسی در:

< nn= 880311081 http:// www. farsnews. com/ newstext. php. < >

۱۶. خبرگزاری فارس، «ریسک اقتصادی ایران ۹ درصد کاهش داشت»، (۸۸/۸/۱۲) قابل دسترسی در:

< nn= 88061703650 http:// www. farsnews. com/ newstext. php. < >

۱۷. سایت دادخواهی (حقوقدانان)، «تشکیل ستاد ارتقاء امنیت

اقتصادی»، (۸۴/۸/۲۲) قابل دسترسی در:

< file= print sid = 122 http:// www. dadkhahi. net/ modoules. php? name= news>

## منابع لاتین

1. Bhagwtati, J. (1991) **The World Trading System at Risk**, London, Havester and Wheatshef
2. Cuddington, John (1976) **Capital Flight Estimate Issues Explanation**, New York Economic Press
3. Henry, Michel (2003) **Country Risk Assessment**, New York, Wiley
4. Khan, Mosin, N. Ulhalue (1987), "Capital Flight From Developing Countries," **Fainance & De-veloping**, Vol. 24, No 154
5. Lensink, R., N. Hermes and V. Murind, "Capital Flight and Political Risk", available at: <http:// som eldok. ub. rug. n1/ FILES/ reports/ 1995-1999/ temec/ 1998/ 98c 34/98c 34. pdf>
6. Pastor, Manuel (1880), "Capital Flight From Latin America", **World Development**
7. Pinheiro, Israel, (1997) "Consideration About Ex-change Controls, Capital Flight and Country Risk", New York, Fall?
8. Shoven, John, "political Risk versus Market Risk in Social Security", Stanford University. available at: <http:// www. bc. edu/centers/ crr/ papers/ Seventh Paper/ Shoven. pdf>
9. <http:// prd. moc. gov. ir/ Report/ riro/ moghadame. htm>.